

بررسی حقوق کیفری و تحلیل سیاست های کیفری جهت پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر

حمیدرضا عباسی جزی^۱

^۱ کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور گز برخوار

چکیده

حقوق کیفری به عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر، بر کنترل و کاهش تولید، توزیع و مصرف این مواد متمرکز است. این نظام حقوقی با جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با مواد مخدر و تعیین مجازات‌های سنگین برای تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان، سعی در کاهش عرضه و دسترسی به این مواد دارد. از سوی دیگر، سیاست‌های پیشگیرانه مانند شناسایی و انهدام شبکه‌های قاچاق، تقویت نظارت بر مرزها و کنترل فعالیت‌های تجاری مشکوک نیز بخشی از راهبردهای کلان در این حوزه به شمار می‌روند. در همین راستا، برخی کشورها علاوه بر اعمال مجازات‌های کیفری، رویکردهای درمان‌محور را نیز در پیش گرفته‌اند تا با کاهش تقاضای مصرف مواد مخدر، به کنترل پایدار این پدیده کمک کنند. با این حال، اثربخشی این سیاست‌ها همچنان محل بحث است و صاحب‌نظران بر لزوم اتخاذ رویکردهای جامع‌تر و ترکیبی تأکید دارند که همزمان به سرکوب شبکه‌های تولید و توزیع و توان‌بخشی مصرف‌کنندگان بپردازد.

واژه‌های کلیدی: مواد مخدر، حقوق کیفری، سیاست های پیشگیری

مقدمه

امروزه مقابله و مبارزه با مواد مخدر یکی از بزرگترین چالشهای فراروی جوامع و نظام های حقوقی است. به دلیل آن که مواد مخدر نه تنها آسیبهای جدی به سلامت افراد وارد می سازد، بلکه با تأثیرات ناگواری که بر زندگی خانوادگی اجتماعی و اقتصادی افراد دارد به دردسر بزرگی برای نظام های سیاسی و حقوقی مبدل شده است (عرفانی و مصطفایی، ۱۳۹۷). در خصوص آسیبهای ناشی از مواد مخدر به ویژه قاچاق آن همین بس که بر اساس آمار به دست آمده تا اکنون بیش از دو صد میلیون انسان به کام اعتیاد مواد مخدر فرو رفته است که بدون شک از لحاظ بهداشتی، اقتصادی اجتماعی و خانوادگی صدمات جبران ناپذیری بر کل پیکره جامعه بشری وارد نموده است (اکبری، ۱۳۹۳). مواد مخدر دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است. مخدر در معنای عام به موادی گفته میشود که سبب حالتی متضاد با حالت هوشیاری میشود خواه قانون استعمال آنها را ممنوع ساخته یا مجاز باشد. اما معنای خاص آن شامل موادی است که مصرف آنها تغییراتی در کارکرد زیستی بدن به وجود می آورد و قانون گذار، مصرف آنها را ممنوع کرده است. سازمان بهداشت جهانی مواد مخدر را منحصر به مواد شیمیایی دانسته که سلامت بدن نیازمند آنها نیست. این تعریف که به معنای عام مواد مخدر نظر دارد، شامل مواد مخدر غیر شیمیایی نمیشود و مواد مخدري را که مصرف طبي دارند در بر نمی گیرد. مواد مخدر انواع زیادی دارد و هر روز بر دامنه آنها افزوده و ترکیبهای جدیدی تولید میشود (علیزاده، ۱۳۹۳). در واقع پس از آن که جوامع بشری توسعه پیدا کرده و افزایش روزافزون کشت، استعمال و ترانزیت مواد مخدر به وجود آمد زنگ خطری برای سلامت اجتماعی، اقتصادی و امنیتی کشورها نیز به صدا درآمد (رهبرپور و حاجی ابو القاسم دولابی، ۱۴۰۰؛ اسلامی و عبداللهی، ۱۴۰۰). امروزه مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن تا حدی مورد اهمیت جهانی قرار گرفته که از آن به عنوان جرائم سازمان یافته نام برده میشود و تمامی کشورهای جهان با برنامه های متنوع در صدد کنترل پیشگیری و مقابله با این پدیده هستند و اقدامات مختلفی به منظور نیل به این اهداف انجام میدهند (شایگان و اصغرزاده، ۱۳۹۴). با مقررات بازدارنده از ارتکاب جرائم در هر اجتماع در راستای تأمین نظم در جامعه و امنیت اجتماعی، با هدف پیشگیری از تکرار جرم به وسیله مجرم و ارتکاب جرم توسط افراد دیگر توسط مراجع صلاحیت دار وضع میشود. نظر به این که ارزشهای اجتماعی امور واقعی است میتواند آزادیهای افراد را تحت تأثیر قرار دهد آنها را محدود کند و مبنای برقراری مجازاتهای بازدارنده قانونی در سیاست جنایی گردد. در حقیقت، جرائم همان ناهنجاریهای اجتماعی است که باید با رویکرد روان شناختی و آسیب شناختی اجتماعی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. در واقع نظام کیفری برای حفظ و حراست قرارداد اجتماعی ضرورت دارد، لکن کیفر بایستی حالت پیشگیرانه داشته باشد تا کسی از مرتکب تقلید نکند و اجرای مجازات باعث توقف ارتکاب جرم چه از سوی مرتکب و چه از سوی دیگران گردد. حقوق کیفری مواد مخدر را میتوان شعبه ای از حقوق کیفری خاص دانست و سیاست جنایی افتراقی در قبال مواد مخدر از رویکردی دوگانه مبتنی بر تمایز دو رفتار ناهنجارگونه مصرف و جرائم مرتبط با قاچاق و عرضه مواد مخدر پیروی می کند. هر چند که سختگیری در تعیین مجازات مربوط به جرائم مواد مخدر در قانون این جرائم امری مشهود و واضح است لکن توجه به کارایی این مجازاتها و همچنین حقوق متهم از جمله مواردی است که در وهله اول باید مورد توجه قانون گذار و در وهله دوم مورد توجه مقامات قضایی قرار بگیرد تجربه اجرای مجازاتهای سنگین همچون اعدام و حبس های طولانی در این جرائم نشان داده است که این مجازاتها کارآیی لازم را برای پیشگیری و یا عدم تکرار این جرائم را ندارند و لذا فقط با تکیه به این سختگیرانه نمیتوان امیدوار به عدم وقوع جرم بود. از طرفی سیر دادرسی منصفانه که باید لزوم عدالت در آن باید همواره مورد توجه قرار بگیرد (کلانتر دهنوی، ۱۴۰۱). بنابراین باتوجه به آنچه که گفته شد جرایم مرتبط با مواد مخدر یکی از جدی ترین چالش های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروزی به شمار می روند. این جرایم با آسیب رسانی به سلامت عمومی، افزایش خشونت، تهدیدی گسترده برای امنیت ملی و بین المللی ایجاد می کنند. به همین دلیل، حقوق کیفری به عنوان یکی از ابزارهای اصلی

کنترل و پیشگیری از این جرایم، نقش مهمی در مهار تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر ایفا می‌کند. سیاست‌های کیفری در این زمینه، شامل طیفی از اقدامات مانند جرم‌انگاری فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر، اعمال مجازات‌های سخت‌گیرانه و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و درمان‌محور است. در حالی که برخی کشورها بر مجازات‌های سنگین و اقدامات سرکوبگرانه تمرکز دارند، برخی دیگر با بهره‌گیری از رویکردهای انسان‌محور، به درمان و بازتوانی مصرف‌کنندگان توجه بیشتری نشان می‌دهند. این مقاله به بررسی حقوق کیفری و تحلیل سیاست‌های کیفری جهت پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر می‌پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، با توجه به نظری بودن این پژوهش، بر طبق استانداردها، که بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و از روش‌های استدلال و تحلیل منطقی استفاده می‌گردد، از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش تحقیق، کیفی فراتحلیل می‌باشد که اسناد و مدارک را به صورت کتابخانه‌ای بررسی کرده و از ۲۳ سند بررسی شده ۱۵ سند را در این مقاله بکار بردیم؛ بدین صورت که به تشریح و توضیح مفاهیم اولیه و نظرات موجود پرداخته و با دسته بندی آرا و استدلال ها به تبیین آن‌ها می‌پردازیم و با مقایسه بین آن‌ها، بررسی و نقد و نتیجه گیری صورت می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

(اکبری، ۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تاکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر در مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سیاست جنایی در زمینه مواد مخدر در طول سالیان گذشته را مورد نقد و بررسی قرار داده است. ایشان در این مقاله با بررسی‌های خود ناهماهنگی میان سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی در حوزه جرائم مواد مخدر را آشکار و با دیدی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای زوایای مختلف آن را بررسی کرده است.

(زراعت، ۱۳۹۲) در کتاب حقوق کیفری مواد مخدر ارکان سه گانه جرائم مواد مخدر را تحلیل کرده و به آیین دادرسی این جرائم پرداخته است. مؤلف در پایان بررسی هر جرم مجازات آن را نیز بیان و مورد بررسی قرار داده است جنبه کیفر شناختی مجازات این جرائم از جمله کیفر اعدام مورد تحلیل قرار نگرفته و صرفاً در کنار بیان مجازات هر جرم به شرایط تشدید یا تخفیف مجازات و تعلیق اجرای آن پرداخته شده است.

(رضایی، ۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان میزان نوع و عوامل موثر بر قانون‌گریزی بیان داشته است که سیاست کیفری قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب شدت مجازات و عدم تناسب آنهاست، بهنجوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل شخصیت مرتکب کرامت انسانی، نوع جرم و موازین حقوق بشری که از معیارهای تعیین مجازات متناسب می‌باشد توجه کافی نگردیده است و باید گفت سیاست کیفری مبتنی بر استفاده بیشتر از مجازات اعدام و حبس‌های طویل‌المدت علاوه بر نداشتن اثر بازدارندگی مطلوب ناعادلانه و برخلاف کرامت انسانی است؛ چراکه عدم تمایل قضات به صدور چنین احکام و سعی در توسل به مفرهای قانونی و حتی در مواردی غیر قانونی و همچنین نقض یا عدم اجرای اکثریت آنها به جهات مختلف دلیل روشنی است بر این مدعی که مجازات تشدید و سرکوب کننده مورد اقبال سیاست جنایی قضایی نبوده و

نیست. لذا سیاست کیفری مقنن مبتنی بر سرکوب و شدت مجازات به لحاظ خروج از اعتدال و تناسب در عمل خنثی گردیده یا موفقیت‌های مورد انتظار را به دنبال نداشته است.

مفهوم جرم

جرم در لغت به معنای گناه بزه و خطا بوده و از جرم به ذنب اثم سیئه عصیان و معصیت نیز تعبیر می شود (معین، ۱۳۸۱). در واقع جرم عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشد (ایمانی، ۱۳۸۲). بزه یا جرم یکی از ارکان اصلی پدیده مجرمانه است که مورد مطالعه و بررسی در جرم شناسی می باشد. بزه یا جرم از نظر لغوی به معنای خطا و انحراف می باشد. امیل دورکیم، فیلسوف جامعه شناس فرانسوی، تعریفی از جرم که امروز جنبه کلاسیک به خود گرفته است ارائه می دهد یک عمل وقتی مجرمانه است که حالات قوی و مشخص وجدان جمعی را جریحه دار کند (اردبیلی، ۱۳۹۳). بدین ترتیب ویژگی های عینی عمل نیست که آن را به جرم تبدیل میکند بلکه قضاوتی که جامعه درباره این عمل می کند. بنابراین جرم یک مفهوم بسیار نسبی و اجتماعی است و بر حسب زمان و مکان ممکن است توسط قانون گذار متصف به وصف جنایی بشود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵). مفهوم جرم در طول تاریخ ملتها متغیر بوده است. قانون گذاران، کیفری امروز نیز در مورد تعریف اعمالی که باید مجرمانه تلقی شوند هم رأی و عقیده نیستند. تعریف جرم مقید به فرهنگ آداب و رسوم و نیز گزینه های سیاسی ایدئولوژیک یا اقتصادی جامعه مورد نظر است (کلانتر دهنوی، ۱۴۰۱).

مواد مخدر

امروزه مصرف مواد مخدر به عنوان یک معضل جدی کلیه جوامع بشری را تهدید میکند. آثار نامطلوب و ویرانگر مواد و اعتیاد روی جسم و روح انسان این نگرانی را افزایش داده و موجبات افزایش ناامنی خانوادگی و اجتماعی شده است در جوامع کنونی منشأ بسیاری از کج رفتاری ها و جرایم را مواد مخدر می دانند (شکاری و افتخاری، ۱۳۹۷). مواد مخدر در لغت به معنای تخدیر کننده سستی نرمی و ناتوانی است همچنان به معنای آنچه موجب سردی کندی تردد، حیرانی تنبلی بی غیرتی و بی همتی شود نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۵۲). با وجود اینکه جرائم ناشی از مواد مخدر در کنوانسیونهای بین المللی و قوانین کیفری داخلی جرم انگاری و کیفر گذاری شده اند اما تعریف روشنی از مواد مخدر ارائه نگردیده است (زاهدیان، ۱۳۹۷). شاید به دلیل این است که مواد مخدر از حیث نوع اثر و میزان آسیب متفاوت است. چنانچه قانون گذار ایران در ماده اول قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر تعریف مبهم و غیر روشنی از مواد مخدر ارائه نموده چنین بیان کرده است: « منظور از مواد مخدر کلیه موادی است که توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به عنوان مخدر شناخته و اعلام میگردد؛ اما قانون گذار افغانستان با استفاده از روش تعریف به مصداق، صرفاً به بیان مصادیق مواد مخدر پرداخته است (دلاوری، ۱۴۰۱). مخدر از باب تخدیر به معنای چیزی است که سبب سست شدن اعضای بدن و رخوت در اعصاب می شود. به همین دلیل است که به آن مواد روانگردان نیز گفته میشود در پارسی بدان افیون گویند و تریاق معرب آن است و در اصل تریاک است که به معنای پادزهر بوده و شیره میوه گیاه خشخاش می باشد (معین، ۱۳۸۷). در صرف نظر از معنای لغوی آن که در این میان چندان حائز اهمیت نیست دو مفهوم مشابه دیگر که امروزه علی الخصوص در کشورهای غربی متداول می باشد قابل تأمل است:

(الف) مواد مخدر آرام این واژه ترجمه Drug Soft می باشد واژه Soft از جمله به معنای نرم سبک و ملایم به کار رفته و مراد از Drug نیز هر چند در لغت به معنای دارو است؛ لکن اغلب در مفهوم داروهای غیرقانونی غیر مجاز و سرانجام مواد مخدر به کار می رود از کنار هم قرار گرفتن این دو واژه ترکیب وصفی مواد مخدر آرام یا نرم و یا سبک به دست می آید. مواد مخدر آرام مفهوم نسبتاً جدیدی است که لاقلاً در ادبیات حقوقی و اجتماعی کشور ما دارای سابقه نمی باشد. این اصطلاح به عنوان گونه ای از مواد مخدر با ویژگیهای خاص بوده و در مقابل مفهوم مواد مخدر سخت قرار می گیرد.

(ب) مواد مخدر سخت این عبارت ترجمه Drug Hard می باشد واژه Hard در لغت به معنای سخت شدید قوی و نامطبوع است و در اصطلاح به نوع خاصی از مواد مخدر گفته می شود که معارض با ویژگیهای مواد مخدر آرام می باشد (کاظمی پور، ۱۴۰۱).

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۰ میلادی تقسیم بندی زیر را برای مواد مخدر ارائه داده است:

۱. مواد مخدر که خواب آلودگی تسکین درد و ایجاد نقص در حرکات ارادی را به دنبال دارد مانند تریاک، هروئین، متادون و کدئین

۲. مواد روان گردان که موجب تغییر در احساس ادراک تفکر، اراده و تفاوت فرد می شود مانند چرس بنگ، ماری جوانا و ال.اس.دی

۳. الکل و مشروبات مشابه آن مانند شراب

۴. دخانیات مثل توتون (علیزاده، ۱۳۹۳).

حقوق کیفری

استفاده از حقوق کیفری برای عملی که قابلیت کنترل را دارد و نیز لازم است بر آن عمل نظارت وجود داشته باشد، در صورتی خواهد بود که آن عمل با استفاده از دیگر ابزارهای غیر حقوقی و حقوقی غیر کیفری محدود نشده باشد و در ثانی به کارگیری حقوق کیفری منوط به این است که بر اساس نیاز جدی و شدید همزیستی مسالمت آمیز توسل به ابزار جزایی ضرورت داشته باشد و این ضرورت تابع مبانی و اصول است. بنابراین اگر ضرورت ناشی همزیستی مسالمت آمیز وجود نداشته باشد وضع قوانین جزایی محدودیتی ناروا خواهد بود و مهمترین راه برای سنجش لزوم قوانین کیفری تطبیق آن با واقعیت های جامعه و نیاز آن است (فلاحی، ۱۳۹۴).

پیشگیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر

پس از وقوع یک جرم نهادهای متنوع و برشماری به کار می افتند تا با آن مقابله کنند، ابعاد آثار زیانبار آن را کاهش دهند تا حد امکان به تسکین آلام زیان دیدگان پردازند و در نهایت عامل یا عوامل آن را به مجازات برسانند از نیروی انتظامی گرفته تا دادسرا و دادگاه و زندان و غیره دور از تصور نیست پیش بینی این مطلب که چه مبالغ هنگفت و سرسام آوری از منابع مالی کشور صرف این فرایند طولانی و مکرر می شود. علاوه بر هزینه های مالی که تنها جلوه ی کوچک و پیدایی از کوه یخ هزینه های وارد بر پیکر جامعه است هزینه های به مراتب بیشتر و ناپیداتری وجود دارد که با وقوع جرم بر جامعه وارد می آید. هزینه

هایی که جنبه های فرهنگی اجتماعی سیاسی و... دارد که خود این پیامدهای غیر مالی چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت هزینه های مالی نیز در پی دارد که در مقایسه با هزینه های مالی اولیه ی مقابله با جرم به مراتب بیشتر است (برومندزاده، ۱۴۰۱). حقوق کیفری به عنوان ابزاری کلیدی برای پیشگیری و کنترل این جرایم، نقش مؤثری در مهار چرخه تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر ایفا می کند. سیاست های کیفری در این حوزه عموماً بر سه محور اصلی متمرکز هستند: جرم انگاری، اعمال مجازات های سنگین و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و درمان محور.

جرم انگاری مواد مخدر

جرم انگاری مواد مخدر به فرآیندی اطلاق می شود که طی آن مصرف، نگهداری، تولید و توزیع مواد مخدر توسط قانون جرم محسوب شده و برای آن مجازات هایی مانند جریمه نقدی، حبس یا اقدامات درمانی در نظر گرفته می شود. این سیاست به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای کنترل مصرف و قاچاق مواد مخدر در بسیاری از کشورها به کار می رود. این رویکرد بر این فرض استوار است که با اعمال مجازات های سنگین، میزان مصرف و توزیع مواد مخدر کاهش می یابد. جرم انگاری مواد مخدر با اهدافی همچون کنترل مصرف و کاهش جرایم مرتبط انجام می شود، اما با چالش هایی مانند افزایش جمعیت زندانیان، هزینه های اقتصادی و اجتماعی بالا و عدم اثربخشی در کاهش مصرف همراه است. بنابراین، بسیاری از کشورها به دنبال اجرای رویکردهای جایگزین، مانند جرم زدایی و درمان اجباری، برای کاهش اثرات منفی این سیاست هستند. اتخاذ رویکردهای جدیدی که بر درمان و بازپروری تأکید دارند، می تواند به کاهش هزینه های دولتی و کاهش آسیب های اجتماعی کمک کند (موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، ۲۰۲۴).

اهداف جرم انگاری مواد مخدر

۱. حفظ نظم و امنیت عمومی: با کاهش دسترسی به مواد مخدر، میزان جرایم مرتبط مانند سرقت و خشونت کاهش می یابد.
۲. کاهش آسیب های اجتماعی و بهداشتی: مصرف مواد مخدر می تواند منجر به انتقال بیماری های عفونی مانند ایدز و هپاتیت شود. جرم انگاری، از طریق کاهش عرضه مواد مخدر، به کاهش این آسیب ها کمک می کند.
۳. پیشگیری از مصرف مواد: با افزایش هزینه های قانونی و اجتماعی مصرف مواد، افراد به مصرف آن کمتر تمایل خواهند داشت (دیوان محاسبات آمریکا، ۲۰۲۴).

رویکردهای جایگزین به جرم انگاری

در سال های اخیر، رویکردهای جایگزینی مانند جرم زدایی و درمان محوری به جای مجازات مطرح شده است. کشورهایی مانند پرتغال، به جای مجازات های کیفری، برای مصرف کنندگان مواد مخدر، درمان های اجباری یا برنامه های بازپروری در نظر گرفته اند. بر اساس گزارش مؤسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، درمان افراد مبتلا به اختلالات مصرف مواد در سیستم عدالت کیفری می تواند منجر به کاهش فعالیت های مجرمانه و همچنین کاهش خطر مرگ ناشی از مصرف بیش از حد پس از آزادی از زندان شود (موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، ۲۰۲۴).

چالش های جرم‌انگاری مواد مخدر

۱. افزایش بار سیستم قضایی و زندان‌ها: جرم‌انگاری منجر به افزایش تعداد زندانیان مرتبط با مواد مخدر شده است. بر اساس آمار، حدود ۸۵ درصد از جمعیت زندان‌های ایالات متحده به نوعی با مصرف یا قاچاق مواد مخدر در ارتباط هستند.
۲. هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی: هزینه‌های ناشی از بازداشت، محاکمه و زندانی کردن افراد مرتبط با مواد مخدر برای دولت‌ها سنگین است. این در حالی است که درمان و بازپروری می‌تواند هزینه کمتری داشته باشد.
۳. انگ اجتماعی: جرم‌انگاری، مصرف‌کنندگان را در معرض انگ اجتماعی قرار می‌دهد و دسترسی آنان به شغل و خدمات بهداشتی را دشوار می‌سازد.
۴. عدم اثربخشی در کاهش مصرف: شواهد نشان می‌دهد که رویکردهای کیفری در کاهش میزان مصرف مؤثر نبوده‌اند. در مقابل، کشورهایی که به جای مجازات، بر پیشگیری و درمان تمرکز کرده‌اند، به نتایج بهتری در کاهش مصرف دست یافته‌اند (دیوان محاسبات آمریکا، ۲۰۲۴).

اعمال مجازات‌های سنگین برای مواد مخدر و تأثیرات آن

اعمال مجازات‌های سنگین برای جرایم مرتبط با مواد مخدر یکی از سیاست‌های رایج در بسیاری از کشورهای جهان است که به‌ویژه در آسیای جنوب شرقی مانند سنگاپور، مالزی، اندونزی و تایلند در قالب مجازات‌هایی چون اعدام یا حبس‌های طولانی‌مدت برای قاچاق و توزیع مواد مخدر اعمال می‌شود (لیچایانان و لانگمایر، ۲۰۱۳). این مجازات‌ها معمولاً با هدف کاهش میزان جرم و جلوگیری از گسترش شبکه‌های قاچاق مواد مخدر طراحی می‌شوند. به‌ویژه، در کشورهایی که مواد مخدر تهدیدی جدی برای امنیت عمومی و سلامت جامعه به شمار می‌روند، این سیاست‌ها بسیار سخت‌گیرانه‌اند. یکی از اصلی‌ترین اهداف این سیاست‌ها، ترساندن و پیشگیری است. به عبارت دیگر، دولت‌ها با اجرای مجازات‌های شدید می‌خواهند دیگران را از ارتکاب به این جرایم باز دارند. در برخی کشورها، مانند سنگاپور، حتی برای حمل مقادیر کم مواد مخدر، مجازات اعدام در نظر گرفته شده است. در مالزی و اندونزی، نیز قاچاق مواد مخدر به‌طور عمده با اعدام مواجه می‌شود (لیچایانان و لانگمایر، ۲۰۱۳). هدف این است که به‌طور مؤثر با شبکه‌های بزرگ قاچاق مقابله کرده و مصرف‌کنندگان را از ریسک‌های بالقوه آگاه سازند. با این حال، تأثیرات این مجازات‌های سنگین همیشه مثبت نبوده است. تحقیقات نشان می‌دهند که در بسیاری از موارد، این سیاست‌ها باعث کاهش قاچاق مواد مخدر نشده است. برعکس، آن‌ها ممکن است به افزایش خشونت، ترس اجتماعی و پایین آمدن اعتماد به سیستم قضایی منجر شوند. به‌طور مثال، برخی از کشورها مجازات‌های سنگین را تنها به قاچاقچیان بزرگ اختصاص می‌دهند و افراد کوچک‌تر که بیشتر به دلیل اعتیاد به قاچاق روی می‌آورند، مجازات‌های شدیدتری دریافت می‌کنند. در حالی که درمان و بازپروری برای آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. این موضوع به افزایش جمعیت زندانیان و مشکلات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مختلف منجر شده است (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱). علاوه بر این، این سیاست‌ها ممکن است بر افرادی که درگیر اعتیاد هستند تأثیر منفی بگذارد. بیشتر افرادی که به جرایم مواد مخدر دست می‌زنند، در واقع به دلیل اعتیاد به مواد مخدر یا شرایط اقتصادی و اجتماعی نامساعد، وارد این دایره می‌شوند. بنابراین، بسیاری از کارشناسان معتقدند که باید به جای تمرکز بر مجازات‌های سنگین، به درمان و پیشگیری از اعتیاد توجه بیشتری شود (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱). به‌طور مثال، کشورهایی مانند پرتغال که سیاست‌های درمانی و پیشگیرانه را به جای مجازات‌های شدید در پیش گرفته‌اند، توانسته‌اند موفقیت‌های زیادی در کاهش مصرف مواد

مخدر و آسیب های اجتماعی به دست آورند. برخی از پژوهش ها نشان می دهند که کشورهای مختلف که به جای تمرکز بر مجازات های سنگین، سیاست های پیشگیری و درمان را اولویت قرار داده اند، توانسته اند به نتایج بهتری در مقابله با معضل مواد مخدر دست یابند. پرتغال که مصرف مواد مخدر را جرم زدایی کرده و بر درمان اعتیاد و پیشگیری از آن تأکید کرده است، شاهد کاهش چشمگیر تعداد مصرف کنندگان مواد مخدر و همچنین کاهش جرایم مرتبط با آن بوده است (مؤسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، ۲۰۲۰). در این کشور، به جای مجازات های سنگین، به کسانی که دچار اعتیاد هستند، خدمات درمانی و مشاوره ای ارائه می شود. در نهایت، به نظر می رسد که استفاده از مجازات های سنگین برای مواد مخدر می تواند یک راه حل موقت باشد، اما در بلندمدت نیاز به رویکردهایی جامع تر مانند درمان، پیشگیری و حمایت اجتماعی برای کاهش تأثیرات منفی اعتیاد و مواد مخدر ضروری است. این رویکردها می توانند به کاهش تقاضا و عرضه مواد مخدر کمک کنند و در عین حال مشکلات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهند (مؤسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، ۲۰۲۰).

اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و درمان محور برای مقابله با مواد مخدر

برای مقابله با بحران مواد مخدر، روش های پیشگیرانه و درمان محور به عنوان رویکردهای اساسی و موثر شناخته شده اند. این رویکردها در مقایسه با سیاست های مجازات محور که تمرکز خود را بر مجازات شدید و بازدارندگی از طریق قوانین سنگین قرار می دهند، به دنبال کاهش استفاده از مواد مخدر از طریق آموزش، پیشگیری، و درمان اعتیاد هستند. این استراتژی ها نه تنها به کاهش مصرف مواد مخدر کمک می کنند، بلکه فرصت های بهبودی و بازسازی را برای افرادی که درگیر اعتیاد شده اند، فراهم می آورند.

اقدامات پیشگیرانه

اقدامات پیشگیرانه به منظور کاهش تقاضا برای مواد مخدر و جلوگیری از شروع استفاده از آن در سنین پایین طراحی می شوند. به ویژه در سنین نوجوانی، آگاه سازی و آموزش افراد در مورد خطرات و پیامدهای مصرف مواد مخدر می تواند تأثیر بسیار زیادی بر کاهش ابتلا به اعتیاد داشته باشد. طبق گزارش گزارش جهانی مواد مخدر ۲۰۲۱ سازمان ملل، برنامه های پیشگیرانه آموزشی که اطلاعات دقیق و علمی در مورد عواقب مصرف مواد مخدر به افراد ارائه می دهند، یکی از راه های مؤثر در کاهش مصرف در میان جوانان هستند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱). علاوه بر آموزش، توجه به ریشه های اجتماعی که می توانند موجب مصرف مواد مخدر شوند نیز ضروری است. عواملی چون فقر، مشکلات روانی، و شرایط زندگی نامناسب می توانند افراد را به سمت استفاده از مواد مخدر سوق دهند. در این راستا، برنامه های پیشگیرانه باید علاوه بر آموزش، به این مشکلات اجتماعی نیز پرداخته و راهکارهایی برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی ارائه دهند. به عنوان مثال، برنامه هایی که به جوانان فرصتی برای بهبود مهارت های اجتماعی و حرفه ای می دهند، می توانند از روی آوردن آن ها به مواد مخدر جلوگیری کنند (لیچایانان و لانگمایر، ۲۰۱۳).

رویکرد درمان محور

در کنار پیشگیری، درمان افراد مبتلا به اعتیاد نیز بسیار اهمیت دارد. درمان محور به معنای ارائه خدمات پزشکی، روانشناسی و مشاوره به افرادی است که به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده‌اند. این رویکرد در واقع بر این اصل تأکید دارد که اعتیاد یک بیماری مزمن است و نیاز به درمان مستمر دارد. به جای مجازات‌های شدید، باید به افراد مبتلا به اعتیاد فرصت داده شود تا با حمایت‌های درمانی بهبودی یابند. یکی از مؤثرترین روش‌های درمان، درمان با دارو است که در آن به فرد معتاد داروهایی داده می‌شود که علائم ترک مواد را کاهش داده و میل به مصرف را کنترل می‌کنند. این روش به‌ویژه در درمان اعتیاد به مواد مخدر اوپیوئیدی همچون هروئین و متادون مؤثر است. همچنین، مشاوره‌های روانشناختی و درمان‌های رفتاری همچون درمان شناختی-رفتاری می‌توانند به افراد کمک کنند تا دلایل روانی و اجتماعی اعتیاد خود را شناسایی کرده و استراتژی‌هایی برای مقابله با وسوسه‌ها و بازگشت به مصرف پیدا کنند (موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، ۲۰۲۰). کشورهایمانند پرتغال که سیاست‌های جرم‌زدایی از مواد مخدر را پیش گرفته‌اند، به جای مجازات‌های سنگین، افراد را به مراکز درمانی و مشاوره‌ای ارجاع می‌دهند. در این کشور، افرادی که به مصرف مواد مخدر مشغول هستند، به جای برخورد قانونی شدید، از برنامه‌های حمایتی برای درمان و بازتوانی استفاده می‌کنند. این رویکرد نتایج مثبتی به‌دنبال داشته است، به‌طوری که تعداد مرگ‌های ناشی از مصرف مواد مخدر کاهش یافته و میزان بازگشت به مصرف مواد نیز کمتر شده است (موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر، ۲۰۲۰). در نهایت، رویکردهای پیشگیرانه و درمان محور در مقابله با مواد مخدر، به‌ویژه در بلندمدت، می‌توانند اثرات به مراتب مثبت‌تری نسبت به مجازات‌های شدید داشته باشند. به جای تمرکز صرف بر مجازات، باید توجه ویژه‌ای به آموزش، پیشگیری و درمان اعتیاد داشت. این رویکردها نه تنها باعث کاهش مصرف مواد مخدر می‌شوند، بلکه به افراد مبتلا به اعتیاد کمک می‌کنند تا زندگی سالم‌تری داشته باشند و به جامعه بازگردند (لیچایانان و لانگمایر، ۲۰۱۳).

مهم ترین سیاست‌های کیفری قانون مبارزه با مواد مخدر میتوان بدین شرح برشمرد:

۱. منع کشت خشخاش و پیش بینی مجازات ۳ تا ۱۵ سال زندان برای بار اول و اعدام در صورت تکرار آن (ماده ۲۰)؛
۲. پیش بینی اعدام برای وارد کننده سازنده و فروشنده این مواد و همچنین برای کسی که بیش از یک کیلو را نگهداری حمل یا مخفی کند؛
۳. مصادره اموال منقول و یا غیر منقول افرادی که به علت ارتکاب جرائم یادشده تحت تعقیب قرار گیرند؛
۴. جرم شناختن اعتیاد و دستگیری و مجازات معتادان ولگرد؛
۵. مکلف شدن دولت به تهیه مراکز مجهز برای بازپروری و آموزش معتادان (ماده ۱۹).

پس از آن، «قانون مبارزه با مواد مخدر در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. به دلیل کاستی‌ها و به منظور تطبیق با نیازهای جامعه این قانون هم دست خوش تغییر و اصلاح قرار گرفت. در نهایت، «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب بر اساس ماده ۲۹ آیین نامه اجرایی قانون یاد شده و در اجرای ماده ۳۳ قانون اصلاح مبارزه

۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ۱۳۷۶/۶/۱۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید که هم اکنون قانون قابل استناد در زمینه مواد مخدر است. با مواد مخدر، کمیته های تخصصی با عناوین آموزش عمومی، پیشگیری و درمان و بازپروری، تبلیغات و مقابله با عرضه و ... توسط دبیرخانه ستاد ایجاد خواهد شد. همچنین ماده ۴ این آیین نامه در اجرای ماده ۱۵ قانون مزبور بیان میکند که کلیه مراکز درمانی پزشکان و کلینیک های خصوصی که دارای مجوز ترک اعتیاد از سوی وزارت بهداشت و درمان هستند میتوانند نسبت به درمان معتادان اقدام کنند» (طاهری، ۱۳۸۲).

ارزیابی اثربخشی سیاست های کیفری

سیاست کیفری قانون گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب شدت مجازات و عدم تناسب آنهاست، بهنجوی که در تعیین مجازاتها به میزان قبح اجتماعی عمل شخصیت مرتکب کرامت انسانی، نوع جرم و موازین حقوق بشری که از معیارهای تعیین مجازات متناسب میباشد توجه کافی نگردیده است و باید گفت سیاست کیفری مبتنی بر استفاده بیشتر از مجازات اعدام و حبسهای طولی مدت علاوه بر نداشتن اثر بازدارندگی مطلوب ناعادلانه و برخلاف کرامت انسانی است؛ چراکه عدم تمایل قضات به صدور چنین احکام و سعی در توسل به مفرهای قانونی و حتی در مواردی غیر قانونی و همچنین نقض یا عدم اجرای اکثریت آنها به جهات مختلف دلیل روشنی است بر این مدعی که مجازات شدید و سرکوب کننده مورد اقبال سیاست جنایی قضایی نبوده و نیست. لذا سیاست کیفری مقنن مبتنی بر سرکوب و شدت مجازات به لحاظ خروج از اعتدال و تناسب در عمل خنثی گردیده یا موفقیتهای مورد انتظار را به دنبال نداشته است (رضایی، ۱۳۸۴).

نتیجه گیری

جرایم مرتبط با مواد مخدر یکی از پیچیده ترین و چالش برانگیزترین معضلات حقوقی و اجتماعی در جوامع مدرن به شمار می روند. این جرایم نه تنها سلامت عمومی و امنیت اجتماعی را تهدید می کنند، بلکه زمینه ساز تقویت گروه های مجرمانه سازمان یافته، افزایش خشونت، بی ثباتی اقتصادی و کاهش بهره وری نیروی انسانی می شوند. از این رو، حقوق کیفری به عنوان ابزاری کلیدی برای پیشگیری و کنترل این جرایم، نقش مؤثری در مهار چرخه تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر ایفا می کند. سیاست های کیفری در این حوزه عموماً بر سه محور اصلی متمرکز هستند: جرم انگاری، اعمال مجازات های سنگین و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و درمان محور. در بخش جرم انگاری، بسیاری از کشورها با تعریف دقیق رفتارهای مجرمانه مانند تولید، قاچاق، توزیع و نگهداری مواد مخدر، چارچوب قانونی مشخصی برای مقابله با این اقدامات فراهم کرده اند. این رویکرد با هدف افزایش قابلیت شناسایی و تعقیب کیفری مجرمان اتخاذ شده است. در محور مجازات ها، بسته به نوع نظام حقوقی هر کشور، طیفی از مجازات های بازدارنده از جمله حبس های طولانی مدت، جریمه های نقدی سنگین و حتی مجازات اعدام (در برخی کشورها) اعمال می شود. این اقدامات بیشتر به منظور کاهش عرضه مواد مخدر و بازدارندگی مجرمان از ادامه فعالیت های غیرقانونی صورت می گیرد. در عین حال، در سال های اخیر، رویکردهای پیشگیرانه و درمان محور نیز مورد توجه قرار گرفته اند. در این رویکرد، به جای تمرکز صرف بر مجازات مجرمان، تلاش می شود تا از طریق پیشگیری از اعتیاد، آموزش عمومی، حمایت از گروه های در معرض خطر و درمان معتادان، تقاضا برای مصرف مواد مخدر کاهش یابد. با وجود این تلاش ها، ارزیابی اثربخشی سیاست های کیفری نشان می دهد که هر یک از این رویکردها به تنهایی نمی تواند پاسخگوی چالش های مرتبط با مواد مخدر باشد. سیاست های سخت گیرانه و مجازات های شدید، هرچند ممکن است در کوتاه مدت موجب کاهش جرایم شوند،

اما در برخی موارد به افزایش جمعیت کیفری، تراکم زندان ها و نقض حقوق بشر منجر شده اند. همچنین، برخوردهای سرکوبگرانه با مصرف کنندگان مواد مخدر، به جای بازپروری و درمان آنان، می تواند به افزایش چرخه جرم و بازگشت مجدد به مصرف منجر شود. از سوی دیگر، سیاست های مبتنی بر درمان و پیشگیری، هرچند از منظر انسانی تر و مؤثرتر به نظر می رسند، اما در صورت عدم تأمین بودجه کافی و فقدان نظارت کارآمد، ممکن است در دستیابی به اهداف پیشگیرانه ناکام بمانند. در مجموع، برای پیشگیری مؤثر از جرایم مرتبط با مواد مخدر، رویکردهای تک بعدی مبتنی بر مجازات های سنگین به تنهایی کافی نیستند. رویکردهای ترکیبی که همزمان به مقابله با قاچاقچیان و تولیدکنندگان مواد مخدر و همچنین به درمان و بازتوانی مصرف کنندگان می پردازند، می توانند نتایج پایدارتر و کارآمدتری به همراه داشته باشند. این سیاست ها باید با بهره گیری از مطالعات علمی، تجربیات بین المللی و نظارت های دقیق اجرا شوند. همچنین، همکاری های بین المللی و تبادل تجربیات موفق می تواند به بهبود عملکرد سیاست های ملی کمک کند. از این رو، توصیه می شود که دولت ها به جای تأکید صرف بر تشدید مجازات ها، به پیشگیری های اجتماعی، درمان، توانمندسازی افراد در معرض خطر و توسعه برنامه های آموزشی بپردازند. تلفیق این رویکردها، راهی مؤثر برای کاهش تقاضا، محدود کردن عرضه و قطع زنجیره تولید و توزیع مواد مخدر خواهد بود.

منابع

- اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳). بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵(۲)، ۷-۳۴.
- برومند زاده، سجاد (۱۴۰۱). راهبردهای پیشگیرانه در جهت کاهش هزینه های عدالت کیفری در جرائم مواد مخدر. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت دانشکده علوم انسانی.
- دلآوری، محمد ناصر (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مجازات قاچاق مواد مخدر در نظام حقوقی افغانستان و ایران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). میزان نوع و عوامل مؤثر بر قانون گریزی. مجله جامعه شناسی ایران ۶ (۳) ۶۹-۴۷.
- طاهری، محمد علی (۱۳۸۲). امنیت انسانی و سیاست جنایی پیشگیرانه در برابر مواد مخدر. مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا
- علیزاده، حمید (۱۳۹۳). میزان انطباق جرم انگاری مواد مخدر در ایران با اسناد بین المللی. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد دوره ۱، شماره ۳، صفحه ۶۵ تا ۸۴.
- فلاحی، احمد. (۱۳۹۴). اصل «ضرورت در جرم انگاری» و محدودیت های وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۶(۱)، ۲۱۷-۲۴۰.
- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر

کاظمی پور، احسان (۱۴۰۱). بررسی تاثیر سوء استفاده شدید از مواد مخدر بر تعدیل رابطه بین تفکر مجرمانه و تکرار جنایات. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق گروه حقوق.

کلانتر دهنوی، میلاد (۱۴۰۱). کیفیات مخففه و مشدده در مجازات جرائم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت دانشکده علوم انسانی.

NIDA. (2024). Criminal Justice DrugFacts. National Institute on Drug Abuse.

GAO. (2024). The Crisis of Drug Misuse and Federal Efforts to Address It. U.S. Government Accountability Office.

Leechaianan, Y., & Longmire, D. R. (2013). The use of the death penalty for drug trafficking in the United States, Singapore, Malaysia, Indonesia, and Thailand: A comparative legal analysis. *Laws*, 2(2), 115-149.

United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2021). World Drug Report 2021.

National Institute on Drug Abuse (NIDA). (2020). Understanding drug use and addiction.